

عملکرد و پیامدهای فعالیتهای تجاری کمپانیهای ونشتورگ و تسنترسایوز شوروی در مناطق شمالی ایران

(۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ش)

سیدحسین شجاعی دیوکلائی*

استادیار گروه تاریخ دانشگاه مازندران

محمدحسن پورقنبر

دانش‌آموخته دکتری تاریخ دانشگاه شهیدبهبشتی

(از ص ۱۱۷ تا ص ۱۳۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۲۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶

چکیده

پس از پیروزی انقلاب چپ‌گرایانه در همسایه شمالی ایران، یعنی روسیه، حکومت این کشور بنا بر رویکرد سوسیالیستی خود، اقتصاد را کاملاً در اختیار گرفت و تجارت خارجی را ملی اعلام کرد. برای تحقق این هدف، حکومت شوروی در اواخر سال ۱۲۹۹ش دو کمپانی دولتی ونشتورگ و تسنترسایوز را تأسیس و صادرات و واردات شوروی را به انحصار آنها درآورد. پیوند اقتصاد ایران به اقتصاد روسیه، زمینه را برای فعالیتهای این دو کمپانی در مناطق شمالی ایران، اعم از خراسان، مازندران، گیلان و آذربایجان فراهم کرد. بر این اساس، مقاله پیش‌رو به این پرسش پاسخ می‌دهد که عملکرد تجاری کمپانیهای ونشتورگ و تسنترسایوز در ایران طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ش چه بود و چه پیامدهایی را با خود به همراه داشت؟ نتایج این پژوهش که با استفاده از روش تحقیق تاریخی و به‌کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی صورت گرفت، نشان می‌دهد که عملکردهای تجاری این دو کمپانی، ضمن اینکه اقتصاد مناطق شمالی کشور را با بحران جدی مواجه کرد، نارضایتی شدید تجار ایرانی را به همراه آورد. به‌علاوه، از زوایای سیاسی و اجتماعی نیز آثار بسیاری برجای گذاشت. تلاش‌های حکومت ایران برای رفع این بحران به‌واسطه رویکرد سیاسی ایدئولوژیک حکومت شوروی تا انعقاد قرارداد تجاری ایران و شوروی در شهریور ۱۳۰۶ش بی‌نتیجه ماند.

واژه‌های کلیدی: عملکرد تجاری، پیامدهای سیاسی و اقتصادی، ونشتورک، تسنترسایوز، ایران، شوروی.

۱. مقدمه

بخش‌های مهمی از صفحات تحولات تاریخ معاصر ایران، تحت تأثیر تحولات همسایه شمالی خود بوده است. این تأثیرپذیری که ناشی از سیاست‌های توسعه‌طلبانه امپراتوری تزاری روسیه بود، مخصوصاً پس از جنگ‌های ایران و روس و انعقاد عهدنامه ترکمانچای تشدید شد. بدین ترتیب بود که تقریباً در تمامی دوران قاجار، تحولات تاریخی روسیه و سیاست‌های حاکمان آن بر تحولات تاریخی ایران تأثیر گذاشت. از این قاعده پیروزی انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه نیز مستثنا نبود. با پیروزی انقلاب روسیه، شعارهای رهبران آن اگرچه بر نفی سیاست‌های رژیم تزاری استوار بود و بدین ترتیب امید به ایجاد فصلی جدید در مناسبات میان دو کشور را ایجاد کرد، اما سیاست‌های عملی اتخاذشده از سوی سران حکومت انقلابی مخصوصاً در حوزه اقتصاد، کوتاه زمانی در این احساس امید تردیدهای بزرگ ایجاد کرد.

در میان این سیاست‌ها می‌توان به تأکید سران حکومت شوروی بر اقتصاد سوسیالیستی و غیرسرمایه‌داری اشاره کرد که به رویکردهای انحصارگرایانه دولت بر تمام منابع و بخش‌های اقتصاد این کشور منجر شد. در راستای تحقق سیاست‌های انحصارگرایانه بر پایه ایدئولوژی انقلابی، حکومت شوروی در اواخر سال ۱۲۹۹ ش تجارت خارجی را در این کشور ملی کرد و در راستای تحقق این هدف دو تجارت‌خانه وابسته به دولت سوویتی به نام‌های ونشتورگ (Vneshtorg) و تسنترسایوز (Tsentrosoyuz) را بنیان نهاد. این دو کمپانی تجاری که به صورت انحصاری صادرات و واردات شوروی را در اختیار گرفتند، به سرعت حوزه فعالیت خود را در مناطق شمالی ایران از خراسان تا آذربایجان گسترش دادند و در شهرهای بزرگ کشور شعباتی ایجاد و تجارت شمال ایران را طی سال‌های نخست دهه ۱۳۰۰ ش در اختیار گرفتند. در چنین شرایطی که این دو کمپانی‌ها بر اقتصاد شمال ایران مسلط شدند، عملکرد تجاری آنها در این مناطق طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۶ ش با خود پیامدهایی به همراه داشت.

بر این اساس، هدف اصلی نوشتار پیش‌رو بررسی عملکرد و پیامدهای فعالیت تجاری کمپانی‌های ونشتورگ و تسنترسایوز در ایران طی دوره مزبور است. برای تحقق این مهم این مقاله درصدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی و به‌کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی به طرح و پاسخ‌گویی این پرسش بپردازد که عملکرد تجاری کمپانی‌های ونشتورگ و تسنترسایوز در ایران طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ ش چه بود و چه پیامدهایی را با خود به همراه داشت؟

درباره پیشینه تحقیق باید عنوان کرد که اگرچه پیرامون مناسبات ایران-شوروی کتاب‌هایی همچون *اسناد روابط ایران و شوروی* (۱۳۷۴) و *روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه* (۱۳۸۴) از طاهر احمدی، کتاب *از لنین تا پوتین* (۱۳۸۵) نوشته طلوعی، و همچنین کتاب *اتحاد جماهیر شوروی و رضاشاه* (۱۳۸۵) از ولی‌زاده طی دو دهه اخیر به رشته تحریر درآمده است، اما عمده مطالب این کتاب‌ها حول محور مسائل سیاسی- نظامی است؛ ازین‌رو، شاید بتوان گفت تنها پژوهش نسبتاً مرتبط با تحقیق پیش‌رو مقاله «روابط تجاری ایران و شوروی و تشکیل نهضت اقتصاد در اوایل عصر پهلوی» (۱۳۸۱) از سهیلا ترابی-فارسانی است که در آن نیز نویسنده بر پیدایش نهضت اقتصاد تجار ایرانی در اواسط دهه ۱۳۰۰ش تاکید کرده است. بر این اساس، باتوجه به عدم تمرکز جدی مسئله و موضوع تحقیق آن مقاله بر عملکرد و پیامدهای فعالیت کمپانی‌های تجاری ونشتورک و سنترسایوز در ایران طی سال‌های موردنظر، مقاله پیش‌رو بدیع است.

۲. عملکردهای تجاری کمپانی‌های ونشتورگ و سنترسایوز در ایران

تشکیل دو کمپانی ونشتورگ (اداره تجارت خارجی شوروی) و سنترسایوز (اداره متحد مرکزی شوروی) در سال ۱۲۹۹ و فعالیت‌های تجاری آنها، اخلال و نابسامانی‌های زیادی در تجارت شمال ایران طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۶ ایجاد کرد که در نتیجه آن تجار مناطق شمالی کشور خسارت‌های زیادی متحمل شدند. نشانه بارز خسارت به بازرگانان شمال کشور را می‌توان در کاهش میزان صادرات آنان به روسیه و وارداتشان از آن کشور مشاهده کرد؛ برای مثال تا پیش از تشکیل کمپانی‌های مذکور، ایران از صادرات برنج به روسیه و واردات نفت از این کشور دارای تراز مثبت موازنه تجاری معادل ۶۲ میلیون قران بود. این درحالی بود که پس از تشکیل این دو کمپانی تجاری، ایران از صادرات برنج و واردات نفت با کسری موازنه تجاری ۱۴ میلیون قرانی مواجه شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۱: ۳۱/۳۵/۲۰).

فشار بر تجار ایرانی از سوی این کمپانی‌ها هم در خاک روسیه و هم در ایران اعمال می‌شد که البته وضعیت آنان در روسیه بسیار نامطلوب‌تر به نظر می‌رسید. درباره این اوضاع گزارشی از سوی نماینده سیاسی ایران در قفقاز بدین شرح ارائه شده است: «اداره تجارت خارجی (ونشتورک) و اداره متحد مرکزی (سنترسایوز) قریباً تمام تجارت ایران را منحصر به خود نموده، اشکالات زیادی ایجاد و اسباب زحمت فوق‌العاده تجار می‌شوند؛ چنان‌که می‌توان گفت تجارت با ایران از این راه اسمی و بی‌مفهوم است» (اسناد تاریخ معاصر: ۱۲۷۴۶-۰۰-ن).

علاوه بر گزارش‌های رسمی دولتی، گزارش‌های غیررسمی از تجار ایرانی درباره وضعیت نامناسب آنها در روسیه در نتیجه عملکرد کمپانی‌ها وجود دارد؛ برای مثال، یکی از تجار بزرگ مشهد از کارشکنی شعبه تجارت‌خانه ونشتورک در تاشکند چنین گزارش می‌دهد: «به عقیده چاکر اشکالاتی که تاکنون برای اتمام معاهده پیشین آمده، قسمت عمده او را شعبات ونشتورک ایران مخصوصاً ونشتورک خراسان به معیت شعبه ونشتورک تاشکند باعث بوده‌اند» (همان: ۶۱-۳۳۵-۱۴م).

تجار ایرانی حتی درون مرزهای کشور خود نیز از سوی تجارتخانه‌های مزبور تحت فشار بودند. نمونه‌ای از این محدودیتها را در شکوائیه‌ای می‌توان مشاهده کرد که یکی از تجار ایرانی به مجلس و دولت ایران بدین شرح ارائه کرد: «در فریدون‌کنار و سایر بنادر ایران اداره ونشتورک و سانترسایوز هرروز یک اداره تشکیل داده و تمام مال‌التجاره، اعم از مال ایران یا روسیه را تحت انحصار درمی‌آورند. هرروز منافع خودشان اقتضا می‌کند قانون جدید و قرارهای تازه وضع نمودند و در بردن آخرین دینار اهالی از هیچ اقدامی فروگذار ندارند» (همان: ۱۲۶۸۸-۰۰-ن). انجام چنین اقداماتی از سوی آنان علاوه بر ایجاد نارضایتی در میان بازرگانان فریدون‌کنار، در میان بازرگانان شهرهای دیگر مازندران مانند بندرگز (همان: ۴۶۴۲۹-۰۰-ن)، مشهدسر (همان: ۱۲۷۵۶-۰۰-ن) و بارفروش (همان: ۱۲۷۳۱-۰۰-ن) نیز نارضایتی ایجاد کرد.

در خراسان این فعالیت‌ها، نارضایتی جدی بازرگانان در مشهد (همان: ۶۱-۳۳۵-۱۴م)، قوچان (همان: ۱۸۲۴۵-۰۰-ن) و سرخس (همان: ۱۲۷۶۷-۰۰-ن) را به همراه داشت. در شمال غرب ایران هم وضعیت به همین منوال بود. در نتیجه همین نارضایتی بود که تجار اردبیل شکوائیه‌ای به نخست‌وزیر ایران در خصوص عملکرد انحصاری دو کمپانی روسی ارائه کردند (همان: ۲۴۷۱۲-۰۰-ن؛ ۱۲۶۶۷-۰۰-ن و ۱۲۷۰۸-۰۰-ن).

تجار گیلان وضعیت آشفته‌تری داشتند. بازرگانان این منطقه بیش از تجار دیگر نواحی شمال کشور از تعدیات تجارت‌خانه ونشتورک رنج می‌بردند. تعدیات تجاری این تجارت‌خانه به اندازه‌ای بود که یکی از مقامات حکومتی این ایالت طی تلگرافی مقامات ایرانی در پایتخت ضمن رقت‌انگیز توصیف کردن وضعیت تجار و کشاورزان این منطقه عنوان کرد: «اراضی به اندازه نصف لم‌یزرع و بلاسکنه مانده، مختصر محصولی هم که تولید شده خریدار ندارد. قلیل وارد و صادره انحصار به ونشتورک، یعنی اداره تجارت‌خانه خارجه روس دارد. به هر قیمتی که میل دارد، واردات خود را می‌فروشد و صادرات را خریداری می‌کند» (همان: ۵۱۷۷۷-۰۰-ق).

علاوه بر تجار انزلی که از وضعیت موجود شکایت داشتند و قویاً خواستار رفع این معضل از سوی مقامات ایرانی بودند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۰: ۲۳/۲/۶۳؛ اسناد تاریخ معاصر: ۲۴۷۰۴-۰۰-ن)، تجار رشت (اسناد تاریخ معاصر: ۱۲۲۸۷-۰-ن) و آستارا (همان: ۱۲۶۶۹-۰-ن) هم شکوائیه‌هایی به دولتمردان ایرانی برای رفع مشکلاتی که کمپانی ونشتورک برای فعالیت تجاری آنها ایجاد کرده بود، فرستادند. در منطقه آستارا که در مجاورت مرز شوروی قرار داشت، نه تنها تجار عمده، بلکه کسبه و بازرگانان خرده‌پا نیز از سوی تجارت‌خانه‌های روسی تحت فشار بودند. در تلگرافی از رشت به تهران درباره تجار خرده-پای آستارا آمده بود: «اشخاص کاسب بی‌بضاعت که با مختصر سرمایه با حمل‌ونقل پنج من و ده من مال‌التجاره به آستارای روس امرار معاش می‌نمودند، جدیداً به تحریک شعبه ونشتورک ممانعت شدید کرده، بدین واسطه افلاس عمومی در این مملکت تولید می‌شود» (همان: ۱۲۷۰۵-۰-ن).

شایان ذکر است که انحصارطلبی تجارت‌خانه‌های شوروی، حتی تجار خارجی مقیم ایران را نیز در مضیقه شدیدی قرار داد؛ برای مثال، در اواسط سال ۱۳۰۰ش کنسول شوروی در انزلی و نماینده شرکت ونشتورک، اداره نفت «اسبار» متعلق به یکی از اتباع لهستانی را در خاک گیلان توقیف کردند (اسناد وزارت خارجه: ۱۳۰۰: ۱۳/۲۱/۴۶).

در نتیجه چنین اقدام‌هایی دور از ذهن نبود که اقتصاد تجاری گیلان دچار اختلال و پریشانی شود؛ چنین اختلالی را می‌توان در گزارش یکی از مقام‌های نظامی گیلان دید؛ در این گزارش، بر این نکته تأکید شده است که آنان کالاهای ایرانی را با کمترین قیمت خریداری می‌کردند و امتعه روسی را با هر بهایی که می‌خواستند در ایران به فروش می‌رساندند؛ فی‌المثل برنج را که قبلاً مجبور به خرید هر پوپ آن به بیست قران بودند. فقط ۵ قران خریده و بعد از حمل به روسیه ۲۵ قران می‌فروختند. همچنین، قند را در باطوم فقط ۳۰ قران می‌خریدند، اما در ایران به بیش از دو برابر قیمت، یعنی ۶۰ تا ۷۰ قران می‌فروختند (مرکز اسناد موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۰۲: ۱۰۸/۱۰۱/۱۰۴-۱۰۴).

اما این قبیل عملکردهای کمپانی‌های تجاری شوروی، پیامدهای متعددی در ایران داشت که به‌ویژه در حوزه اقتصاد تجاری در مناطق تحت فعالیت این کمپانی‌ها بیشتر به چشم می‌آمد. در ادامه این پیامدها بررسی می‌شوند.

۳. پیامدهای فعالیت تجاری کمپانی‌های ونشتورگ و تسنترسایوز در اقتصاد ایران

در نخستین گام، نتیجه مستقیم چنین عملکردی‌هایی تهدید معیشت تجار و حتی توده‌های مردم بود. چنین تهدیدی را توده‌ها، مخصوصاً به‌واسطه کمیاب شدن اقلام ضروری مصرفی و افزایش میزان بیکاری احساس می‌کردند؛ برای مثال، انتقال بیش‌ازحد غلات توسط کمپانی‌های ونشتورگ و تسنترسایوز از خراسان به خاک شوروی معضل کمبود مواد غذایی و افزایش قیمت گندم را در شهرهای شمالی آن منطقه به همراه داشت.

درحالی‌که براساس گزارش حکومت خراسان تهیه نان در مناطق شمالی این ایالت مانند مشهد، باجگیران، قوچات، درگز و کلات به‌واسطه خرابی محصول گندم با مشکل و گرانی قیمت مواجه شده بود، تجارت‌خانه ونشتورگ با خرید ۲۴ هزار پوط گندم در این ایالت و حمل تنها چهار هزار پوط آن به روسیه و احتکار مابقی آن در خراسان موجبات افزایش نگرانی مردم خراسان از کمبود نان و به دنبال آن افزایش قیمت گندم را فراهم کرد. این مسئله موجب اعتراض و تحصن مردم مشهد و قوچان در تلگراف‌خانه شد (اسناد تاریخ معاصر: ۷۲ تا ۸۳-۱۵۱۸-۱۲م).

علاوه بر خراسان، در مازندران نیز مستنداتی درباره اثرات مخرب فعالیت‌های ونشتورگ بر وضعیت معیشت تجار و توده‌های مردم وجود دارد. انحلال یک مرکز خیریه برای کمک به بینوایان و افراد تهیدست در مشهدسر (بابلسر) نمونه بارز پیامدهای منفی فعالیت کمپانی‌های تجاری شوروی است. بازرگانان مشهدسر که با کمک‌های مالی خود از فعالیت یک دارالمساکین در این شهر حمایت می‌کردند، وقتی در رقابت نابرابر با تجارت‌خانه ونشتورگ دچار زیان اقتصادی شدند، از کمک به دارالمساکین اجتناب ورزیدند که در نتیجه آن، این مرکز خیریه به دلیل مشکلات مالی منحل شد (اسناد تاریخ معاصر: ۱۸۴۸-۰-ن). از دیگر اقدامات کمپانی‌های مزبور، سوءاستفاده از نیاز مردم منطقه به نفت بود. از آنجاکه نفت از روسیه وارد می‌شد و انحصار آن نیز عمدتاً در اختیار کمپانی‌های شوروی قرارداشت، این دو کمپانی از این موقعیت بهره برده، بعد از وارد کردن نفت به ایران آن را در انبارها نگه می‌داشتند و زمانی که نفت بازرگانان ایرانی به اتمام می‌رسید، آن را با قیمتی به مراتب بیشتر از قیمت معمول به فروش می‌رساندند (روزنامه اتحاد، دی ۱۳۰۱: ۲/۲۸۱).

در کنار نفت، تجارت برنج هم در نتیجه عملکرد تجاری کمپانی‌های شوروی با مشکلاتی مواجه شد. صادرات بی‌رویه برنج از گیلان به قفقاز توسط آنان موجب کمبود این محصول در بازارهای گیلان شد. این مسئله موجب بروز درگیری میان ساکنان

رشت و بندرانزلی با ماموران حکومتی شد (روزنامه شفق سرخ، تیر ۱۳۰۱: ۲/۴). در پی چنین وضعیتی، وزارت داخله از وزارت خارجه درخواست کرد تا صادرات برنج به شوروی را به واسطه آنکه تهدیدی جدی بر معیشت مردم است، متوقف کند (اسناد تاریخ معاصر: ۱۳۸-۱۵۱۸م). این در حالی بود که مقامات شوروی به دلیل سرمای سخت زمستان و قحطی شدید ناشی از آن، به تجارتخانه ونشتورک دستور دادند تا یک میلیون پوپ (معادل ۱۸ هزار تُن) برنج از گیلان و مازندران خریداری و روانه روسیه کند (IRAN (POLITICAL DIARIES, 1997: 341).

بیکاری را هم می‌توان از پیامدهای عملکرد تجارتخانه‌های شوروی در ایران دانست. روزنامه ستاره/ایران در گزارشی، علت آمار زیاد تهیدستان و بی‌خانمان‌ها را در قزوین، ناشی از سیاست‌های تجاری حکومت شوروی در تجارت خارجی بیان می‌کند؛ زیرا اتخاذ سیاست تجاری انحصارگرایانه توسط حکومت شوروی مانع از صدور صنایع دستی ایران به شوروی و در نتیجه ورشکستگی، بیکاری و تهیدستی فعالین در این بخش می‌شد (ستاره/ایران، ۱۳۸: ۳/۱۳۰).

بیکاری ناشی از سیاست‌های تجاری انحصارگرایانه حکومت شوروی، گریبان‌گیر فعالان صنف شالی‌کوبان نیز شد. در نتیجه چنین شرایطی، برخی از تجار شهر انزلی که با هدف صدور برنج به جای شالی به روسیه، کارخانه شالی‌کوبی تأسیس کرده بودند، در اسفند ۱۳۰۱ ش طی نامه‌ای به دو وزارتخانه فواید عامه و داخله از بیکارشدن حدود شصت کارگر که در نتیجه انحصار صادرات برنج به صورت شالی به روسیه (توسط کمپانی ونشتورک) به وجود آمده بود، شکایت کردند (اسناد تاریخ معاصر: ۹-۱۴۱۲-۱۲م).

افزون بر اینها، مستندات تاریخی از تأثیر کمپانی‌های تجاری روس بر ورود و خروج مخفیانه کالا از مرزهای ایران و شوروی حکایت دارد. روزنامه/ایران در یکی از شماره‌های خود عنوان می‌کند که با سیطره تجاری ونشتورک در منطقه قفقاز، اگر بازرگانان ایرانی درصدد حمل کالا از ایران به قفقاز و بالعکس بودند، می‌بایست بالاجبار ۲۰٪ از قیمت کالا را به‌عنوان حق گمرکی پرداخت کنند که این، به غیر از حق ترانزیت بود. با این اوصاف، تاجران ایرانی کاملاً متضرر می‌شدند و چاره‌ای نداشتند، مگر آنکه به دریانوردان ترکمن که در قاچاق کالا تبحر داشتند، روی آورند و از طریق کرجی‌ها و قایق‌های آنها امتعه خود را از مرز عبور دهند (ایران، خرداد ۱۳۰۱: ۲/۱۱۵۶).

پدیده قاچاق کالا بین ایران و آسیای میانه تنها به قاچاق کالا از ایران به آسیای میانه اختصاص نداشت. بلکه کالاها به صورت قاچاق از این منطقه به ایران نیز وارد می

شد. مطابق گزارشی از دیپلمات‌های ایرانی در عشق‌آباد «اگر تجار و کسبه ایرانی مختصر امتعه بخواهند به سمت ایران حمل نمایند، یا اجازه نمی‌دهند و اگر هم اجازه دهند، تحمیلاتی وارد می‌نمایند که صاحب مال به کلی منصرف می‌شود و به این جهت، مسئله قاچاق شیوع کلی پیدا کرده است» (ستاره ایران، آذر ۱۳۰۱: ۲/۱۰۵). همچنین، وزارت مالیه طبق گزارش اداره گمرکات ایران، از احتمال زیاد وجود مشارکت میان ترکمن‌ها با تجارت‌خانه‌های شوروی برای قاچاق کالا پرده برداشت و از وزارت امور خارجه خواست تا به منظور جلوگیری از این روند و ایجاد امنیت در منطقه، یک کشتی جنگی ایرانی در دریای مازندران مستقر کند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۱: ۳/۵/۳۰). افزون بر این، کنسول ایران در عشق‌آباد، معاملات تجاری ایران و شوروی در آن منطقه همچنان در اختیار تجارت‌خانه ونشتورک بوده است و تجار ایرانی اجباراً کالاهای خود را به صورت قاچاق از مرز عبور داده، به خاک شوروی وارد می‌کردند (همان، ۱۳۰۲: ۱۰۳/۵۲/۳۶).

با نظر به اینکه یکی از پیامدهای قاچاق برای اقتصاد کشور کاهش درآمد گمرکی است، براساس گزارش وزارت مالیه ایران، همه‌ساله حدود ۱ میلیون پوپ جو به خارج از کشور حمل می‌شد که از این راه می‌بایست مبلغ ۵۵ هزار تومان حق گمرکی عاید دولت ایران می‌شد که چون وسایل جلوگیری از قاچاق وجود نداشت، بخش عمده‌ای از این محموله به صورت قاچاق خارج می‌شد (همان، ۱۳۰۱: ۳/۵/۳۰) و در نتیجه درآمدهای دولت از این محل کاهش می‌یافت.

چالش‌های ایجادشده در نتیجه فعالیت‌های تجاری کمپانی‌های شوروی و پیامدهای ناشی از آن، نارضایتی‌های زیادی در میان اقشار مختلف جامعه، مخصوصاً تجار به وجود آورد؛ به همین دلیل، تجار شهرهای مناطق شمالی کشور در مراسلات و تلگراف‌های متعدد، اعتراض خود را به وضعیت دشواری که کمپانی‌های روسی ایجاد کرده بودند، به حکومت مرکزی، وزارت‌خانه‌ها و ادارات مربوط اعلام می‌کردند و از دولت انتظار داشتند به این شرایط واکنش مناسبی نشان دهد؛ لذا حکومت نیز با وجود پایه‌های لرزان خود، برای رفع این مشکلات تلاش‌هایی کرد که این تلاش‌ها در ادامه بررسی می‌شوند.

۴. واکنش دولت ایران به عملکردهای کمپانی‌های تجاری شوروی در ایران

آشفته‌گی‌های سیاسی و اقتصادی که پس از انقلاب مشروطه گریبان‌گیر ایران شده بود، با کشیده شدن دامنه جنگ جهانی اول به ایران تشدید شد. در پی این وضعیت، تضعیف

حکومت مرکزی که پس از انقلاب مشروطه آغاز شده بود، تشدید شد که نتیجه آن، روی کار آمدن دولت‌های ضعیف و ناتوان در عرصه دیپلماسی بود.

در چنین وضعیتی، بحران اقتصادی ناشی از سیاست‌های اقتصادی حکومت انقلابی شوروی، آزمونی دیگر پیش روی دستگاه دیپلماسی ایران گذاشت. ناراضی‌تی تجار ایرانی از تنگناهای ایجاد شده از سوی ونشتورک و تسنترسایوز، با روی کار آمدن سیدضیاء طباطبایی علنی شد. وی پس از دریافت نامه شکوائیه بازرگانان درباره سخت‌گیری‌های تجارت‌خانه‌های روسی به وزیر فلاح و تجارت دستور اکید داد تا به این موضوع رسیدگی کند (اسناد تاریخ معاصر: ۲۴۷۰۳-۰۰-ن).

علی‌رغم چنین تأکیدی در پایان دوره سه‌ماهه ریاست‌الوزرائی سیدضیاء، مشکلات بازرگانی برطرف نشد. دلیل چنین ادعایی این است که در تیر ۱۳۰۰ مقرر با اوایل نخست‌وزیری احمد قوام، وزارت تجارت و فلاح در گزارشی به وزارت خارجه از وضعیت اسفناک تجارت در مناطق شمالی ایران طی آن سال و علل آن صحبت به میان می‌آورد (همان: ۱۲۶۹۸-۰۰-ن). دولت احمد قوام که در این مقطع زمانی حدود هشت ماه بر سر کار بود و چالش‌های زیادی از جمله جنبش جنگل در گیلان و قیام کلنل پسیان را در خراسان پیش روی خود می‌دید، در ماه‌های پایانی سال ۱۳۰۰ برای حل این مسئله اقداماتی کرد، اما راه به جایی نبرد. صحت چنین ادعایی را می‌توان در تلگراف‌هایی حاکی از ناراضی‌تی تجار مناطق شمالی ایران مانند بندرگز (همان: ۲۴۷۰۶-۰۰-ن)، بارفروش (همان: ۱۲۶۹۳-۰۰-ن)، قوچان (همان: ۱۸۲۴۵-۰۰-ن)، باجگیران (همان: ۱۲۷۶۷-۰۰-ن) بندرانزلی (همان: ۱۲۶۶۹-۰۰-ن) و آستارا (همان: ۲۴۷۱۲-۰۰-ن) مشاهده کرد که در آنها خواستار رسیدگی به وضعیت نابسامان خود از سوی دولتمردان ایرانی بودند. شدت این ناراضی‌تی‌ها به اندازه‌ای بود که در برخی از شهرهای مازندران مانند مشهدسر، کار به تحصن تجار در تلگراف‌خانه کشید (همان: ۱۲۷۸۰-۰۰-ن).

در چنین جوی از ناراضی‌تی، نخست‌وزیر جدید حسن مشیرالدوله، اقدام‌های خود را برای رفع این مشکل آغاز کرد. به همین منظور، وی در مکاتبه‌ای با وزارت امور خارجه عنوان کرد که «شکایاتی از تجار مشهدسر راجع به تزییقات که از طرف ونشتورک می‌شود واصل گردید و چون ادامه شکایات جز تولید زحمت برای دولت و خسارت تجار ندارد، زودتر معلوم فرمایید از مذاکرات با سفارت چه نتیجه حاصل شد و چه اقداماتی در آن باب کرده‌اند که به تجار جواب داده شود» (همان: ۱۲۷۸۵-۰۰-ن). مشیرالدوله سعی کرد تا برای حل این مسئله بیشتر تلاش کند؛ لذا او با تهدید به مقابله به‌مثل، خواستار توقف

اجحافات و اقدامات ناصواب مؤسسات بازرگانی شوروی شد (همان: ۱۲۶۵۵-۰۰-۰). علاوه بر این، وی دور تازه‌ای از رایزنی‌ها را برای انعقاد عهدنامه تجاری جدید با حکومت شوروی در دستور کار قرارداد. انجام این کار از آن جهت ضرورت داشت که بنا بر اظهار نماینده سیاسی ایران در تفلیس، «قطع ید استیلای ونشتورک از تجارت ایران هنگامی میسر می‌شود که دولت ایران و مأمورین آن موفق به انعقاد عهدنامه نافع گردند» (همان: ۱۲۷۶۴-۰۰-۰).

طی همین برهه زمانی، در بارفروش (بابل) و مشهدسر، بازرگانان درصدد برآمدند تا با مساعدت برخی علما و روحانیان مستقیماً علیه تجارت‌خانه ونشتورک وارد عمل شوند (اسناد تاریخ معاصر: ۱۲۷۳۰-۰۰-۰). این مسئله موجب نگرانی مقامات سیاسی ایران شد. حاکم طبرستان در گزارش به نخست‌وزیر اعلام کرد که به دلیل ترس از واکنش کشتی‌های جنگی روسی که در آن زمان در سواحل دریای مازندران مانور می‌دادند، مانع از هرگونه اقدام مشترک تجار با روحانیان علیه تجارت‌خانه ونشتورک شد (همان: ۱۲۷۴۱-۰۰-۰).

تحت تأثیر چنین شرایطی هیئتی به ریاست تقی‌زاده برای انجام مذاکرات در اردیبهشت ۱۳۰۱ روانه شوروی شد (ایران آزاد، اردیبهشت ۱۳۰۱: ۱/۳۲). هنوز یک ماه از شروع مذاکرات نگذشته بود که بار دیگر قوام جای مشیرالدوله را در مقام نخست‌وزیری گرفت. درحالی‌که مذاکرات تحت تأثیر ضدیت حکومت شوروی با تجارت آزاد بسیار طولانی و فرسایشی شد و نیل به توافق میان طرفین بسیار سخت می‌نمود (ایران آزاد، مرداد ۱۳۰۱: ۲/۷۰ و ستاره ایران، آذر ۱۳۰۱: ۳/۱۰۴)، تجار مناطق شمالی مانند مشهدسر (اسناد تاریخ معاصر: ۱۲۷۸۱-۰۰-۰)، بارفروش (همان: ۱۲۷۰۸-۰۰-۰) و بندرانزلی (همان: ۱۲۷۰۸-۰۰-۰) همچنان به دولت ایران فشار آوردند تا چاره‌ای برای رهایی آنها از این مخمصه بیندیشد. با این حال، قوام‌السلطنه در دوره هفت‌ماهه نخست‌وزیری خود علی‌رغم دستورهای تکراری مبنی بر پیگیری سریع این معضل از سوی وزارت‌خانه‌های امور خارجه و مالیه (همان: ۱۲۷۰۹-۰۰-۰) نتوانست اقدام موثری انجام دهد. در چنین وضعیتی بود که وی جای خود را به مستوفی‌الممالک داد. با روی کار آمدن دولت جدید و با توجه به عدم رویکرد منفی شوروی به نخست‌وزیری وی (همان: ۱۲۷۰۹-۰۰-۰) به نظر می‌رسید که مذاکرات میان طرفین بهبود یابد. تقی‌زاده به‌عنوان نماینده ایران بعد از یک‌سال رایزنی به مقامات تهران خبر داد که متن عهدنامه تجاری تنظیم و آماده امضاء شده است. به رغم این خوش‌بینی، هنوز دو مسئله مهم حل نشده بود: نخست اینکه مقامات مذاکره‌کننده شوروی زیر بار آزادی تجارت نمی‌رفتند. آنها درباره روابط تجاری با ایران

اگرچه حاضر شدند اسمی و شفاهی آزادی تجاری را بپذیرند، از دادن تعهد حقوقی برای آزادی تجاری به دلیل مغایرت با قانون اساسی خودداری می‌کردند. دومین مسئله، مسئله ترانزیت کالا از خاک این کشور به ایران بود. سران شوروی علی‌رغم مذاکرات صورت‌گرفته حاضر به پذیرش ترانزیت کالا از اروپا به ایران از طریق خاک خود نبودند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۲: ۲۳/۱۵۲/۱۶). باوجود چنین شرایطی مصدق، وزیر خارجه، به سفیر ایران در روسیه، متذکر شد که انعقاد این قرارداد تجاری نتیجه قطعی به‌دست‌نمی‌دهد؛ چراکه منظور اصلی ایران از شروع مذاکرات با روسیه حل کردن همین دو مسئله بوده و بعید است مجلس ملی این عهدنامه را تصویب کند (همان، ۱۳۰۲: ۱۶/۱۵۲/۱۶).

باوجود این، حسن مشیرالدوله، نخست‌وزیر، تقی‌زاده را به پرهیز از تعجیل در امضای قرارداد و انجام مذاکرات بیشتر ترغیب می‌کرد (همان، ۱۳۰۲: ۱۶/۱۵۲/۱۸۴). چنین ترغیبی در حالی صورت می‌گرفت که مشاورالممالک و تقی‌زاده از اخذ امتیازات تجاری بیشتر ناامید شده، عنوان کردند که با توجه به سیاست‌های رسمی و ایدئولوژیک اتحاد شوروی، انعقاد همین قرارداد، بهتر از هیچ است و باید آن را غنیمت شمرد (همان، ۱۳۰۲: ۱۶/۱۵۲/۱۷۳ و ۱۸۸). سرسختی حکومت شوروی در عدم موافقت با ترانزیت کالا از اروپا به ایران در حالی صورت می‌گرفت که تقریباً یک‌ماه قبل از آن، یعنی در فروردین همان سال، یک قرارداد تجاری میان وزرای بازرگانی شوروی و آلمان مبنی بر همکاری تجارت‌خانه‌های ونشتورک و تسنترسایوز با آلمان‌ها برای حمل کالاهای آلمانی از خاک شوروی به شرق منعقد شده بود (IRAN POLITICAL DIARIES: 1997, p458).

۵. سیاست شوروی درباره فعالیت‌های تجاری ونشتورگ و تسنترسایوز در ایران
در زمان اجرای سیاست انحصار تجارت خارجی از سوی حکومت شوروی، دولت مرکزی در ایران موقعیت متزلزلی داشت. از سوی دیگر، تصور سران حکومت شوروی از نقش پشت‌پرده بریتانیا در کودتای اسفند ۱۲۹۹ ش این تصور را در نزد آنان ایجاد می‌کرد که هیئت حاکمه ایران تحت نفوذ انگلیسی‌هاست (مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۶). برپایه چنین نگرشی حکومت شوروی در تلاش بود تا از هر راهی برای اعمال فشار سیاسی بر حکومت ایران استفاده کند. برای تحقق چنین سیاستی، ونشتورک و سنترسایوز ابزار مناسبی بودند. شاهد چنین مدعایی را می‌توان در تلگراف کنسول وقت آلمان در قفقاز به وزارت خارجه این کشور مشاهده کرد: «دولت روسیه در ایران مقاصد دیگری غیر از مقاصد اقتصادی تعقیب می‌کند. ایران و کلیتاً تمام مشرق‌زمین میدان مبارزه بلشویسم با سرمایه‌داری و

امپریالیسم است. نظر به همسایگی، روسیه ناچار است که ایران را از حیث اقتصادی و سیاسی در تحت تبعیت خود درآورد» (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۲: ۲۶۰/۵۲/۳۶-۲۶۲).

در کنار ناظران خارجی، جریان‌های داخلی، به‌ویژه تجاری که در ارتباط تجاری با روسیه بودند، نیز بر این باور بودند که رویکرد شوروی به مسئله تجارت با ایران از طریق کمپانی‌های تجاری خود، رویکردی سیاسی است و در این خصوص اهداف سیاسی این کشور بر اهداف اقتصادی‌اش تقدم دارد. برپایه همین نگرش بود که تجار گیلان اعتقاد داشتند اهداف نمایندگان تجاری روس «تزیید نفوذ و پیشرفت مقاصد باطنی» (اسناد تاریخ معاصر: ۱۲۵۶۴-۰۰-۰۰) حکومت شوروی در سرحدات شمالی ایران بود.

علاوه بر این، شواهد و مستندات دیگری نیز وجود دارد، برای مثال، پس از اعتراضات وزارت خارجه ایران به اجحاف‌های دو کمپانی به تجار ایرانی، مقامات مسکو از مسئولیت آن شانه خالی کرده، مدعی شدند که جمهوری‌های قفقاز در سیاست خود کاملاً مستقل و آزادند و از آنجاکه مرکزیت دو مؤسسه تجاری مورد بحث در آن منطقه از خاک روسیه است، آن دولت نمی‌تواند بر این تجارت‌خانه‌ها نظارتی داشته باشد؛ لذا دولت ایران برای حل این مسئله، باید نمایندگان باکو بفرستد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۱: ۲/۲۲/۶۶).

طرح ادعای عدم نظارت شوروی بر دو کمپانی تجاری از سوی مقامات مسکو در حالی مطرح می‌شد که سفیر شوروی در تهران هنگام اعتراض وزارت خارجه ایران به وی درباره عملکرد و اعمال فشارهای دو کمپانی تجاری، عنوان کرد که اقدامات تجارت‌خانه‌های شوروی در راستای انحصار صادرات و واردات و برحسب دستور مقامات مسکوست و او هیچ اختیاری برای جرح و تعدیل آن ندارد (اسناد تاریخ معاصر: ۱۲۷۶۰-۰۰-۰۰).

برپایه چنین اظهاراتی از سوی سفیر، این‌گونه می‌توان ادعا کرد که اقدامات کمپانی‌های تجاری روسی در ایران براساس سیاست‌های انقلابی رجال سیاسی این کشور با رویکردهای سیاسی و با اهداف سیاسی ایدئولوژیک بود. متأثر از همین اهداف، حکومت شوروی هرگونه تلاش ایران برای مقابله و خنثی کردن عملکردهای کمپانی‌های تجاری این کشور را با اقدامات خود بی‌اثر می‌کرد؛ برای مثال، هنگامی که دولت ایران در واکنش به تنگناها و اجحاف‌های تجارت‌خانه‌های روسی، تصمیم گرفت ویزای تذکره‌های نمایندگان ونشتورک و تسنترسایوز را برای ورود به ایران امضا نکند، بلافاصله سفارت روسیه در تهران نیز در اقدامی متقابل از تأیید تذکره‌های اتباع و محصلین ایرانی برای سفر به روسیه امتناع ورزید. این واکنش حکومت روسیه به تصمیم دولت ایران، موجب تشویش متقاضیان ایرانی ورود به روسیه و اعمال فشار آنان به دولت ایران مخصوصاً

وزارت خارجه شد (همان: ۱۱۹۲۲-۰-۰ن). با اعمال چنین فشارهایی بود که نخست‌وزیر وقت پس از مشورت با اعضای کابینه دستور تأیید و امضای تذکره‌های نمایندگان دو کمپانی را صادر کرد (همان: ۱۱۹۲۰-۰-۰ن).

علاوه‌براین، هنگامی که مأموران ایرانی به برخی اقدامات تجارتخانه شوروی، مبنی بر انجام فعالیت‌های مخفیانه سیاسی مشکوک شدند، مبادرت به بازکردن نامه‌ای کردند که شعبه تجارتخانه ونشتورک در قزوین به شعبه دیگر این تجارتخانه در شهر انزلی فرستاده بود، به دنبال این اقدام، وزیر مختار شوروی شدیداً به این کار اعتراض کرد و به مقامات ایرانی هشدار جدی داد. پس از این هشدار وزارت جنگ ایران دستور داد تا نوشته‌های مربوط به تجارتخانه‌ها و سفارت روسیه از سانسور معاف شوند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۰: ۱۷/۱۴/۳۳).

همچنین در ماجرای دیگر، هنگامی که مذاکرات تقی‌زاده با روس‌ها درباره انعقاد پیمان تجاری به توافق نزدیک می‌شد، یکی دیگر از مداخلات حکومت شوروی با رویکردهای سیاسی و ایدئولوژیک به واسطه اقدامات کمپانی ونشتورک اتفاق افتاد که حتی بر روند مذاکرات تجاری میان دو کشور هم تأثیر گذاشت؛ در زمان برگزاری مذاکرات تجاری برخی اعضای کمپانی ونشتورک در رشت از سوی وزارت عدلیه ایران به اتهام تخلفات و نقض قوانین کشور بازداشت شدند. دیپلمات‌های شوروی به این اقدام وزارت عدلیه اعتراض کردند و حتی کنسول شوروی در رشت بازرس ایرانی را به دریافت رشوه متهم کرد (IRAN POLITICAL DIARIES: 1997, p338). در پی این شرایط، یکی از مباحث اصلی گفت‌وگوی هیئت مذاکره‌کننده شوروی با تقی‌زاده، تبرئه شش عضو دستگیرشده ونشتورگ از سوی وزارت عدلیه ایران قرارگرفت و این مسئله بر پیچیدگی مذاکرات طرفین افزود (ibid: p330).

اما رویکرد سیاسی شوروی به روابط تجاری با ایران ناشی از یک هدف سیاسی و ایدئولوژیک بزرگ بود و آن، اشاعه کمونیسم در کشورهای دیگر بود. شوروی در این زمان، سال‌های ابتدایی فعالیت خود را آغاز کرده بود؛ از این‌رو، دور از انتظار نبود که با تمایلات جاه‌طلبانه درصدد اشاعه نفوذ و افزایش قدرت خود در منطقه از طریق صدور انقلاب با اشاعه کمونیسم باشد و برای رسیدن به این هدف از همه ابزارهای خود، از جمله کمپانی‌های تجاری استفاده کند. برپایه چنین هدفی و با توجه به وضعیت نابسامان و آشفتگی ایران، طبیعی می‌نمود که سران شوروی به گسترش سلاح ایدئولوژیکی خود، یعنی مرام کمونیسم در مناطق شمالی ایران مبادرت ورزند؛ برای مثال، نایب‌کنسول روس در مازندران

با همکاری رئیس تجارت‌خانه ونشتورک در این ایالت با تشکیل گروه‌های سرّی دست به تبلیغات کمونیستی می‌زد (اسنادوزارت‌امور خارجه، ۱۳۰۱: ۴۹/۱۲/۴). همچنین در ادامه فعالیت‌های سیاسی کمپانی ونشتورک برای تبلیغ کمونیسم در مازندران، این کمپانی به منظور تأسیس کلویی به نام «سویت» ساختمان و باغی در آمل اجاره کرد (همان، ۱۳۰۲: ۴۹/۹/۴۴). در کنار این مستندات در مازندران، گزارش‌هایی با صبغه تبلیغاتی از فعالیت‌های ونشتورک و تسنترسایوز با هدف ترویج کمونیسم در منطقه شمال غربی ایران نیز وجود دارد. حاکم نظامی آذربایجان، ضمن بیان اوضاع معیشتی اسفناک مردم در اردبیل، عملکرد مأموران دو کمپانی را در کمک به مردم مفلوک آن منطقه، در راستای ترویج مرام اشتراکی عنوان می‌کند: «از حکومت اردبیل خبر رسید که وضعیت فقراء محل فوق‌العاده اسف‌آور، برهنه و گرسنه در شوارع ریخته ادارات سانترسایوز و ونشتورک نیز صورتاً نسبت به آنها انفاق، ولی باطناً نظریاتشان جلب فقراء است» (اسناد تاریخ معاصر: ۲۱۷۸۹-۰۰-ن). همچنین حاکم شهر خوی عنوان می‌کند که تجارت‌خانه ونشتورک در کنار تجارت، مخفیانه به تبلیغ مسلک کمونیستی می‌پردازد (بیات، ۱۳۷۰: ۲۷).

در اردیبهشت ۱۳۰۴ ش هیئت تجار ارومیه طی نامه‌ای به رضاخان، ضمن شکایت از عملکرد تجاری دو کمپانی می‌گوید: «تجارت‌خانه‌های شوروی داخل در امور سیاسی شده و در غالب نظریات قنسولگری و عملیات تبلیغاتی به وسیله تجارت‌خانه‌های مذکوره انجام می‌شود» (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۷۹). رئیس نظمیة تبریز هم در گزارشی درباره فعالیت‌های تبلیغاتی کمپانی‌های تجاری شوروی می‌نویسد: اخیراً تجارت‌خانه مرکزی از مؤسسات شوروی در تبریز یک باب رستوران [تأسیس کرده] و با فروش اغذیه که نسبت به سایر مهمان‌خانه‌ها فوق‌العاده ارزان است، از اهالی جلب قلوب و یک نوع تبلیغات می‌نماید» (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۷۹).

علاوه بر این، براساس گزارش جاسوسان بریتانیا در شمال غربی ایران، کنسول شوروی در تبریز رابطه سرّی و تنگاتنگی با اعضای ونشتورک و تسنترسایوز در آذربایجان داشته و از سوی این تجارت‌خانه‌ها حمایت مالی می‌شد (IRAN POLITICAL DIARIES: 1997, p319). در گزارشی دیگر، یکی از عناصر روسی به دستور کنسول شوروی در تبریز ظاهراً به عنوان نماینده ونشتورک و در واقع برای تبلیغات کمونیستی عازم زنجان شد تا در آنجا اقامت گزیند (ibid: p251).

تبلیغاتی از این دست در گیلان هم صورت می‌گرفت. به مناسبت سالگرد انقلاب کمونیستی در روسیه، کنسول شوروی از جمعی افراد بی‌بضاعت و گرسنه در رشت

پذیرایی کرد و تجارت‌خانه و نشتورک نیز ۱۵۰ دست لباس مردانه و ۱۵۰ دست لباس زنانه بین اشخاص تهیدست توزیع کرد (ibid: p316). علاوه بر این، دیپلمات‌های شوروی در ایران از مؤسسه تجاری و نشتورک برای راه‌اندازی تشکلهای کمونیستی در گیلان نیز بهره‌برداری می‌کردند. در همین خصوص گزارشی از جاسوسان انگلیسی در گیلان وجود دارد که نشان می‌دهد رئیس اتحادیه باراندازان و قایقرانان گیلان مستخدم تجارت‌خانه و نشتورک بوده و ماهیانه چهل تومان از روس‌ها می‌گرفته است تا کار تبلیغاتی انجام دهد (ibid, p579).

۶. پیامدهای سیاست تبلیغاتی حکومت شوروی در قالب فعالیت کمپانی‌های و نشتورگ و تسنترسازبوز در ایران

حمایت شوروی از فعالیت‌های کمپانی‌های تجاری این کشور در ایران با اهداف سیاسی و ایدئولوژیک موجب ایجاد نگرش منفی به این حکومت در میان تجار ایرانی شد. نتیجه این نارضایتی تخریب وجهه حکومت نوپای شوروی بود. روزنامه عصر/انقلاب در یکی از شماره‌های خود در شهریور ۱۳۰۰ در این زمینه چنین گزارش می‌دهد:

«بلشویک‌ها، سنگ کارگران روسیه را به سینه زده و برای کارگران روسیه و جلب ثروت به روسیه راضی شدند تجارت ایران مونوپول روسیه شده و عرق پیشانی زارعین گیلان و مازندران نثار قدوم تجارت‌خانه و نشتورک شود، تجارت ایران فلج گردد... تجار ایرانی تجارت روسیه را برای این می‌خواستند که تحمیلات طاقت‌فرسای اقتصادی انگلیس خاتمه یابد نه آن که و نشتورک با یک قیافه خشن‌تری جانشین آن شود» (شهریور ۱۳۰۰: ۱/۶۵).

علاوه بر این، روزنامه‌های دیگری همچون اتحاد (فروردین ۱۳۰۱: ۲/۱۴۵) و شفق سرخ (فروردین ۱۳۰۱: ۲/۱۳) نیز از این رفتار نامطلوب تجارت‌خانه‌های روسی با تجار ایرانی سخن گفته‌اند. این قبیل اطلاع‌رسانی‌ها در نشریات ایران در راستای ترسیم وجهه منفی از همسایه شمالی در اذهان مردم، می‌توانست موجب بروز حساسیت نسبت به حکومت نوپای شوروی در ایران شود و بر شدت انزجار جامعه ایرانی علیه ساختار سیاسی آن کشور بیفزاید. نمونه‌ای از این را می‌توان در نامه بازرگانان سمنانی به مجلس شورای ملی و دولت ایران درباره عملکرد حکومت شوروی دید: «اکنون که دولتی جدید در آنجا روی کار آمد به اسم گمرکات، مبادرت به اضمحلال ایران می‌نماید. این اقدام آنان غیرقابل تحمل است» (اسناد تاریخ معاصر: ۱۲۶۹۳-۰۰-ن). این خشم گاهی حتی کل موجودیت تجارت خارجی شوروی را تهدید می‌کرد؛ برای مثال، تجار نواحی شمال

خراسان پس از انسداد مسیر تجاری ایران و روسیه، اعتراض شدید خود را با تعطیلی بازار و بیرون انداختن نماینده تجارت‌خانه شوروی از شهر سرخس نشان دادند. چنین واکنشی از آن جهت رقم خورد که شایعه شده بود مأموران روسی در مرزها از رفت‌وآمد تجار ایرانی و حمل مال‌التجاره آنها جلوگیری می‌کنند. پس از بروز این واکنش از سوی تجار شمال خراسان، وزارت خارجه ایران این مسئله را به سفارت شوروی در تهران متذکر شد و مسئولیت بروز هرگونه پیشامد ناشی از عدم بازگشایی سرحدات را برعهده این سفارتخانه دانست (همان: ۱۲۷۶۷-۰-۰ ن).

اما جدی‌ترین واکنش، با تشکیل نهضت مقاومت اقتصادی توسط تجار در نواحی شمال کشور صورت گرفت. اقتصاد تجاری ایران که در دوران قاجار، به‌ویژه پس از انعقاد عهدنامه تجاری ترکمانچای، همواره در ارتباط تجاری با دول خارجی مخصوصاً روسیه به‌شدت در معرض آسیب بودند (ن.ک: ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۲۳-۳۰ و سیف، ۱۳۸۷: ۳۱۰-۳۱۴)، با وقوع انقلاب روسیه و اتخاذ سیاست‌های انقلابی در حوزه تجارت، در مناسبات تجاری خود با این کشور آسیب‌پذیرتر شدند. از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۶ ش که قرارداد تجاری ایران و روسیه امضاء شد، سیاست حکومت انقلابی روسیه در ملی‌کردن تجارت خارجی موجب ایجاد محدودیت‌های زیادی برای تجار ایرانی شد. در پی این وضعیت بود که کنسول ایران در حاجی‌طرخان طی گزارشی به سفارت ایران در مسکو در بهمن ۱۳۰۳ ش اعلام کرد که «تا از طرف اولیای امور نقشه و پروگرامی به‌طورکلی برای تجارت با روسیه طرح نگردد، ممکن نیست در مقابل ادارات شوروی هیچ‌یک از تجار داخله بتوانند بالانفراد مقاومت نمایند» (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۷۷).

ایجاد محدودیت برای تجار ایرانی در راستای سیاست‌های انحصار تجاری در پی تصمیم حکومت این کشور برای بستن مرزهای خود به روی کالاهای وارداتی کشورهای همسایه، از جمله ایران، با هدف حفظ ارزش پول روسیه در بهمن ۱۳۰۴ (همان: ۸۰-۷۹) به ایجاد بن‌بست و توقف کامل تجارت شمال ایران انجامید. در پی ایجاد این بن‌بست، تجار و اصناف مناطق شمالی کشور از حکومت درخواست کردند تا با مذاکره با حکومت روسیه به رفع مشکلات و محدودیت‌های ایجادشده بپردازند. پس از ناکامی حکومت در انجام این کار بود که تجار و اصناف از زمستان ۱۳۰۵ دست به تأسیس جمعیتی به نام «نهضت مقاومت اقتصادی» علیه تجارت روسیه در مناطقی چون گیلان (حبل‌المتین، ۱۲ شعبان ۱۳۴۵: ۹/۹) قزوین (سازمان اسناد ملی ایران، ش ۲۹۳۵۴۹۴: ۹)، آذربایجان (حبل‌المتین، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵: ۲۸/۱۴-۲۹)، تهران (همان، ۲۲ ذیقعد: ش ۲۲-۲۶/۲۱-۲۶) و حتی اصفهان

(همان، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵: ۲۸/۱۴-۲۹) زدند. هدف ایجاد چنین تشکیلاتی در مناطق شمالی کشور براساس بیانیه نهضت مقاومت اقتصادی قزوین، ایجاد ممانعت برای ورود اشیاء تجملی روسیه به ایران و همچنین ترک معامله با تجار و تجارت‌خانه‌های روسی تا زمان رفع محدودیت‌های ایجادشده برای تجار ایرانی از سوی حکومت روسیه بود (سازمان اسناد ملی ایران، ش ۲۹۳۵۴۹۴: ۹). از سوی دیگر، اعضای این انجمن‌ها با آگاهی از مشکلاتی که عدم توازن صادرات و واردات ایران به وجود آورد، از دولت و مجلس تقاضا کردند تا برای تعدیل آن با روسیه اقدام کنند، از ورود اشیاء تجملی روسی بدون دریافت حق‌الورود جلوگیری شود و با دولت روسیه قراردادی تجاری برای مبادله کالا با قیمت عادلانه منعقد کنند که منافع دو طرف را تأمین کند (همان: ۱۱). همچنین تجاری که در همدان به تشکیل نهضت مقاومت اقتصادی مبادرت کرده بودند، در بیانیه خود با اشاره به افزایش میزان بیکاری، کمبود نقدینگی و افزایش میزان واردات بر لزوم صنعتی‌شدن و تقویت کارخانه‌های نساجی، تقویت محصولات زراعی مورد نیاز کارخانه‌های مرتبط به محصولات کشاورزی همچون نخریسی و قندسازی تأکید کردند (ترابی فارسانی، ۱۳۸۱: ۱۵۴).

۷. نتیجه

واگذاری حق انحصاری صادرات و واردات شوروی به کمپانی‌های تجاری ونشترک و سنترسایوز از سوی حکومت شوروی در راستای سیاست حکومت این کشور در جهت ملی‌کردن تجارت خارجی، زمینه را برای عملکردهای انحصارگرایانه این کمپانی‌ها در مناسبات تجاری با ایران فراهم کرد و اقتصاد مناطق شمالی کشور را از آذربایجان تا خراسان به شدت تحت تأثیر قرارداد. این عملکرد که به برقراری روابط تجاری یک‌جانبه از سوی شوروی و به‌طور اخص این دو کمپانی با ایران منجر می‌شد، به بحران و بن‌بست اقتصادی در مناطق شمالی ایران دامن زد.

در چنین شرایطی بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، مخصوصاً اقتصاد تجاری، در نتیجه عملکردهای انحصاری و یک‌جانبه کمپانی‌های مذکور دچار بحران شد. در پی این وضعیت، تجار مناطق شمالی کشور در صادرات کالا به روسیه و واردات از این کشور با محدودیت جدی مواجه شدند که این مسئله اعتراض‌های شدید آنان را به همراه داشت. تجار مناطق شمالی کشور خواستار واکنش جدی دولت‌های ایرانی به عملکرد انحصارگرایانه کمپانی‌های تجاری شوروی شدند. در این میان، آنچه بیش از همه ضرورت مداخله دولت‌های ایران را برای رفع این مشکل ضروری می‌کرد، اختلال‌هایی

بود که کمپانی‌های تجاری ونشتورک و سنترسایوز در اقتصاد مناطق شمالی کشور دامن می‌زدند و در نتیجه آن، نه تنها تجار، بلکه زندگی و معیشت توده‌های مردم را هم با مشکل مواجه می‌کردند. خرید و احتکار برخی اقلام مواد غذایی در ایران مانند برنج و گندم با هدف افزایش قیمت فروش آنها و افزایش قیمت برخی از محصولات وارداتی از روسیه به ایران، مانند نفت و قند، از جمله عملکردهای تجاری این کمپانی‌ها بود که زندگی مردم را نیز مختل می‌کرد. پیامد چنین وضعیتی سختی معیشت، بیکاری، رواج قاچاق کالا و مهم‌تر از همه، افزایش نارضایتی در مناطق شمالی ایران بود که در نهایت به شکل جنبش نهضت مقاومت اقتصادی در میان تجار سربرآورد.

اگرچه مداخله حکومت برای رفع مشکلات ضروری بود، لیکن تلاش‌های حکومت‌های ایرانی که از بهار ۱۳۰۰ و با حکومت سیدضیاءالدین طباطبائی آغاز شد تا شهریور ۱۳۰۶ به دلیل کوتاه‌بودن عمر دولت‌های ایران، ضعف دستگاه دیپلماسی کشور در مناسبات بین‌المللی و مهم‌تر از همه، سیاست‌های حمایتی شوروی از دو کمپانی به‌واسطه رویکردهای ایدئولوژیک و انقلابی و اعمال فشارهای دیپلماتیک این حکومت به دولت‌های ایرانی ناکام ماند.

منابع

- اداره کل آرشیو و اسناد وزارت خارجه، ش. کارتن ۶۳، ش. پ. ۲، س. ۱۳۰۰. ش.
- _____، سند به ش. کارتن ۳۳، ش. پ. ۳۳، س. ۱۳۰۰.
- _____، سند به ش. کارتن ۴۶، ش. پ. ۲۱، س. ۱۳۰۰.
- _____، سند به ش. کارتن ۳۵، ش. پ. ۳۱، س. ۱۳۰۱.
- _____، سند به ش. کارتن ۴۹، ش. پ. ۱۲، س. ۱۳۰۱.
- _____، سند به ش. کارتن ۶۶، ش. پ. ۱۱، س. ۱۳۰۱.
- _____، سند به ش. کارتن ۳۶، ش. پ. ۵۲، س. ۱۳۰۲.
- _____، سند به ش. کارتن ۱۶، ش. پ. ۱۵۲، س. ۱۳۰۲.
- _____، سند به ش. کارتن ۴۹، ش. پ. ۹، س. ۱۳۰۲.
- _____، سند به ش. کارتن ۳۰، ش. پ. ۵، س. ۱۳۰۱.
- بیات، کاوه، *اسناد احزاب سیاسی ایران: فعالیت‌های کمونیستی در دوره رضاشاه*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰.
- روزنامه اتحاد*، ش. ۱۴۵، فروردین ۱۳۰۱.
- _____، ش. ۲۸۱، دی ۱۳۰۱.
- روزنامه ایران*، ش. ۱۱۵۶، خرداد ۱۳۰۱.
- روزنامه ایران آزاد*، ش. ۷۰، مرداد ۱۳۰۱.

- _____، ش ۳۲، اردیبهشت ۱۳۰۱.
- روزنامه حبل‌المتین، ش ۹، شعبان ۱۳۴۵ق.
- _____، ش ۱۴، رمضان ۱۳۴۵ق.
- _____، ش ۲۱-۲۲، ذی‌قعدة ۱۳۴۵ق.
- روزنامه ستاره ایران، ش ۱۰۴، آذر ۱۳۰۱.
- _____، ش ۱۰۵، آذر ۱۳۰۱.
- روزنامه شفق سرخ، ش ۱۳، فروردین ۱۳۰۱.
- _____، ش ۴، تیر ۱۳۰۱.
- روزنامه عصر انقلاب، ش ۶۵، شهریور ۱۳۰۰.
- تراپی فارسانی، سهیلا، «روابط ایران و شوروی و تشکیل نهضت مقاومت اقتصادی»، مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، ش سی‌ام و سی‌ویکم، ۱۴۳-۱۷۲، پائیز و زمستان ۱۳۸۱.
- _____، تجارت مشروطیت و دولت مدرن، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۸۴.
- سازمان اسناد ملی ایران، سند به ش ۲۹۳۵۴۹۴.
- سیف، احمد، اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
- طاهر احمدی، محمود، روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- مرکز اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند به ش ۵۱۷۷۷-۰-ق.
- _____، سند به ش ۱۲-۱۵۱۸-۷۲م.
- _____، سند به ش ۱۴-۳۳۵-۶۱م.
- _____، سند به ش ۱۴-۶۵۱-۳۹م.
- _____، سند به ش ۱۶-۷۶-۲۸م.
- _____، سند به ش ۱۲-۱۵۱۸-۷۲م.
- _____، سند به ش ۱۲-۱۵۱۸-۱۳۸م.
- _____، سند به ش ۱۲-۱۴۱۲-۹م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۷۴۶م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۶۶۹م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۶۸۸م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۶۹۳م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۶۹۸م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۴۶۴۲۹م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۷۵۶م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۷۳۱م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۷۸۰م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۷۸۵م.
- _____، سند به ش ۰-۰-۱۲۶۵۵م.

- _____ ، سند به ش ۱۲۷۶۴-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۸۲۴۵-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۷۶۷-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۲۴۷۰۶-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۲۴۷۱۲-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۶۶۷-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۷۰۸-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۷۰۵-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۲۴۷۰۳-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۲۴۷۰۴-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۶۶۹-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۲۸۷-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۸۴۸۸-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۷۳۰-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۷۴۱-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۷۶۰-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۱۹۲۰-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۲۱۷۸۹-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۷۸۱-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۷۰۹-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۲۵۶۴-۰-۰ ن.
- _____ ، سند به ش ۱۱۹۲۲-۰-۰ ن.

مرکز اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سند به ش.پ ۱۰۸، ۱۳۰۲.
مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳.